

واکاوی متون مشترک حدیثی در منابع فریقین

سید محمد حسن حکیم*

چکیده

قرآن و سنت در مباحث اسلامی محور اساسی اندیشه و علم را تشکیل می‌دهد. همگام سازی اندیشه‌های دین مداران در این دو حوزه از اهمیت و تأثیر بالایی برخوردار است. در حوزه قرآن کریم و جایگاه متمایز آن در اندیشه تقریب میان اندیشمندان اسلامی بحث‌های بسیار ارائه شده است، اما به حوزه حدیث شاید کمتر توجه شده است. حال آن که حدیث به عنوان دومین رکن اساسی اندیشه اسلامی جدای از اهمیت ویژه از قابلیت‌های بالایی در این حوزه برخوردار است. این مختصر به پی جویی حوزه‌ای از حدیث که کمتر مورد دید عموم قرار می‌گیرد؛ یعنی «متون مشترک حدیثی» پرداخته تا با تبلور آن، جایگاه، نقش و کارکرد حدیث در مباحث تقریب جدی تر دیده شود. در این تحقیق، تحلیل متون مشترک حدیثی، انواع متون مشترک، جایگاه آن، و تأثیرات شگرف این متون در حوزه تقریب و بالاتر از آن، در پیشبرد اندیشه اسلامی مورد دقت قرار گرفته است.

کلید واژه: نصوص مشترک، متون مشترک، احادیث مشترک.

درآمد

کشف راه‌های ایجاد و تقویت ارتباطات علمی و فرهنگی میان مذاهب و اندیشمندان مسلمان از فرایض اساسی و امور مهم در فضای اندیشه‌ای معاصر و در حوزه اندیشه دینی است. مذاهب اسلامی با داشتن کتاب واحد، قرآن کریم، و آثار مشترک بی‌شمار، قابلیت‌های بی‌نهایتی را برای اتحاد و هم‌اندیشی پیش رو دارند.

آنچه امروزه در حوزه اندیشه، همت دانشمندان علوم دین را به خود جلب می‌نماید،

* پژوهشگر پژوهشکده علوم و معارف حدیث.

کشف پایه‌های اساسی و مهم بسترسازی برای این رویکرد و برنامه ریزی صحیح در جهت پیشبرد آن است.

پس از قرآن کریم - که کتاب واحد و مصدر اساسی اندیشه اسلامی برای تمامی فرق اسلامی به حساب می‌آید - حدیث و علوم مرتبط با آن، از اهمیت بی بدیلی برخوردار است.

اما در این حوزه تلاش در مسیر اتحاد اندیشه‌ها و هم‌اندیشی اندیشمندان اسلامی و متخصصان حوزه‌های مرتبط با دانش حدیث، کمتر صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که شاید بتوان گفت: این حوزه اندیشه‌ای بیش از دیگر فضاها، فکری، نیاز به کار و تلاش برای ایجاد و پی‌گیری اندیشه‌ای «تقریبی» را می‌طلبد.

نبود کارهای جدی در حوزه حدیث با هدف گذاری «تقریب مذاهب اسلامی» موجب آن شده است که این عرصه مسیر قهقرایی خود را به گونه‌ای سپری کند که نه تنها موجب هم‌گرایی و اتحاد اندیشه‌های فرق اسلامی نگردد، بلکه به عنوان یکی از سرچشمه‌های اختلاف میان اندیشمندان اسلامی عرض اندام نماید.

اختلاف در طُرُق دست‌یابی به نصوص معتبر - پس از قرآن کریم که متواتر و مورد اتفاق همه مسلمین است - یکی از زمینه‌های جدی بروز اختلافات مذهبی در حوزه حدیث است؛ چراکه هر فرقه به طرق خود برای وصول به متون معتبر تمسک کرده و طرق فرقه‌های دیگر را طرد نموده و نمی‌پذیرد!^۱

از یک سو امامیه طریق اهل بیت: و اصحاب ایشان را معیار قرار داده و طرق حدیثی اهل سنت را غیر معتبر می‌شمارند، چنان‌که در مقام طعن یک راوی «عامی» بودن را به عنوان عامل تضعیف او بر می‌شمارند.^۲

از سوی دیگر، اهل سنت نیز به اقوال و نقل‌های صحابه و شاگردان ایشان

۱. البته تذکر این نکته لازم است که این مقاله به دنبال اثبات بی پایه بودن این نوع اندیشه‌ها و توهمی بودن بسیاری از پیش فرض‌های موجب اختلاف است و مستندات آن در صفحات بعد تبیین می‌گردد.

۲. موارد آن بسیار زیاد است، اما به عنوان نمونه رک: رجال النجاشی، ص ۱۴۶: «حیش بن مبشر أخو جعفر بن مبشر أبو عبد الله كان من أصحابنا، و روی من أحادیث العامة فأكثر»؛ الفهرست للطوسی، ص ۲۵۶، شماره ۳۰۷۷۹: «وهب بن وهب، أبو البختري، عامی المذهب، ضعيف»؛ رجال ابن الغضائري، ص ۱۰۰، شماره ۱۰۱۵۱: «وهب بن وهب بن عبد الله بن زمعة بن الأسود بن المطلب بن عبد العزی، أبو البختري، القاضی. كذاب، عامی»؛ خلاصة الأقوال، ص ۳۲۴، شماره ۲۴: «أحمد بن عبد الله الأصفهانی الحافظ أبو نعیم - بالنون المضمومة. قال شيخنا محمد بن علی بن شهر آشوب انه عامی» و ص ۳۶۵، شماره ۱۱: «علی بن محمد المدائنی، عامی المذهب»...

بسندۀ نموده‌اند و خود را بی‌نیاز از طرق حدیثی شیعه انگاشته و ایشان را اهل فتوا و نظر تصور نموده‌اند تا بدانجا که ترک حدیث و عدم التزام به آن را در قدح ایشان بیان کرده‌اند؟! چنان که ذهبی در توصیف ائمه شیعه: در مقام نقل حدیث این گونه می‌نویسد:

ولیس هو بالمکثر، هو فی الروایة کأبیه و ابنه جعفر، ثلاثهم لا یبلغ حدیث کل واحد منهم جزءاً ضحماً، ولکن لهم مسائل و فتاوی.^۳
[امام باقر علیه السلام] چندان نقل حدیث ننموده است؛ مانند پدرش [امام سجاد علیه السلام] و فرزندش امام جعفر صادق علیه السلام، چنان که اگر احادیث هر کدام از ایشان جمع‌آوری گردد، یک مجلد حجیم نخواهد شد، اما از ایشان مسائل و فتاوا [زیاد] نقل شده است.

و بسیاری مباحث دیگر که ممل است و ثمرات آن بسیار کم... اما حقیقت، آن است که کشف راه‌های صحیح، برای دفع توهمات رایج و ایجاد بستر مناسب برای بحث اندیشمندان اسلامی در حوزه حدیث امری لازم و نیازی معاصر است که به نظر می‌رسد با امکانات موجود دست‌یابی به آن بسیار آسان بوده و ثمراتی بی‌شمار را در پی خواهد داشت.

نصوص مشترک و بسترسازی تقریب

یکی از زمینه‌های اساسی که قابلیت پاسخ‌گویی به این نیاز را دارد، محور مهم کشف مشترکات حدیثی میان فرق و مذاهب اسلامی است. بررسی منابع حدیثی اسلامی وجود نصوص و متون مشترک در میان جمیع فرق و مذاهب را به خوبی نمایان می‌سازد. البته این مطلب، برخلاف تصور رایج، چنان واضح و روشن می‌نماید که با اندک توجه به منشأ شکل‌گیری نصوص و احادیث در میان مسلمین به خوبی روشن می‌گردد؛ چنان که حتی بدون مراجعه به منابع حدیثی نیز می‌توان آن را حدس زد.

وجود منشأ واحد در صدور متون حدیثی گواه صدق این معناست؛ چرا که از نگاه مبنایی، مرجع نقل صحابه و تابعان و حتی اقوال و فتاوا و افعال رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است.^۴ این در حالی است که امامان معصوم شیعه: نیز کلام خود را نقل

۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۱.

۴. در میان متون اهل سنت نصوص بسیاری وجود دارد که به عنوان قول صحابی نقل شده است، اما همان متن از همان راوی در منابع ایشان به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده است. این امر گواه صدق برای این مدعا محسوب



تام و بیان صدق اقوال و افعال نبی مکرم اسلام ﷺ دانسته و به تأکید و تبیین آن پرداخته‌اند و در جواب امثال «ذهبی» این حقیقت را گوشزد نموده‌اند؛ چنان که امام صاق رحمته در جواب سائلی این گونه می‌فرماید:

علي، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن قتيبة قال: سألت رجلاً أبا عبد الله عليه السلام عن مسألة فأجابها فيها، فقال الرجل: أرايت إن كان كذا وكذا ما يكون القول فيها؟ فقال له: مه ما أجبتك فيه من شيء فهو عن رسول الله ﷺ لسننا من «أرايت» في شيء؛^٥
... ساکت باش آنچه به تو جواب گفتم [تماماً] از رسول خدا ﷺ بود. ما [اهل بيت] از کسانی نیستیم که نظرات شخصی خود را در مسائل داخل می‌کنند.

و چنان که در حدیثی هشام بن سالم، حماد بن عثمان و برخی دیگر از امام صادق عليه السلام شنیده و نقل کرده‌اند، امام عليه السلام فرموده‌اند:

علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن أحمد بن محمد، عن عمر بن عبد العزيز، عن هشام بن سالم و حماد بن عثمان وغيره قالوا: سمعنا أبا عبد الله عليه السلام يقول: حدیثی حدیثی آبی، و حدیثی آبی حدیثی جدی، و حدیثی جدی حدیثی الحسين، و حدیثی الحسين حدیثی الحسن، و حدیثی الحسن حدیثی أمير المؤمنين عليه السلام و حدیثی أمير المؤمنين، حدیثی رسول الله ﷺ و حدیثی رسول الله ﷺ قول الله عز وجل.^٦

اگر چه کج سلیقگی‌های رایج در میان برخی اندیشمندان و ناقدان، اسباب بعید نمایاندن این تصور و نادیده انگاری این مجموعه عظیم در مسیر سلیم اندیشه اسلامی شده است، اما حقیقت این است که وجود و تکاثر نصوص همخوان در چنین فضایی، اصل اساسی و محوری منابع حدیثی است، مگر در مواردی که دخالت شرایط سیاسی و حاکمیت‌های جائر در تدوین برخی منابع حدیثی نقش اختلاف افکنانه و تحریف‌گونه خود را نمایان می‌سازد.

بررسی و نقد کارهای صورت گرفته

با وجود اهمیت غیر قابل انکار چنین مباحثی، متأسفانه کارهای اندکی در

می‌گردد؛ به عنوان نمونه در سنن دارقطنی، ج ١، ص ٧٦، ح ٢٣١ و ح ٢٣٩؛ سنن البيهقي، ج ١، ص ١١ - ١٢ متنی از ابن عباس به نقل از پیامبر اکرم ﷺ آمده که فرموده‌اند: النبئذ وضوء لمن لم يجد الماء. همین متن در سنن دارقطنی در حدیث ٢٣٨ بدون استناد به پیامبر اکرم ﷺ و به نقل از ابن عباس آمده است. از همین دست است، روایت: ان الماء لا ينجسه شيء و...

٥. الکافی، ج ١، ص ٥٨، ح ٢١.

٦. همان، ج ١، ص ٥٣، ح ١٤.

این خصوص صورت گرفته و کارهای انجام شده نیز از نقایص و اشکالات فراوان برخوردار است.

برخی از کارهای صورت گرفته، در عین اهمیت و حفظ پیشگامی برای صاحبان آنها، بیش از آن که متون یا احادیث مشترک را موضوع پژوهش خود قرار دهد، و به جمع آوری و تنظیم این متون بپردازد، با کشف موضوعات مشترک، و نصوص متفاوت، از فریقین هماهنگی بیشتری دارد و توجه به متون مشترک^۷ در آن کمتر به چشم می خورد.

اگر چه کشف موضوعات مشترک و تلاش برای ارائه مباحث در بستری واحد و در اختیار قرار دادن آن، در فضای اندیشه‌ای اسلام، خدمتی بزرگ به دانشمندان و متفکرین اسلامی است، اما این مطلب آن قدر هم دیرپاب نیست که کار و تلاشی این چنین مطالبه نماید و مسیر تحقیقات را به سوی خود جذب نماید.

صد افسوس که به دلیل نبود تخصص‌های ویژه در تحقیق نصوص، در بسیاری از موارد اکتفای به منابع واسطه و یا منابع ضعیف و غیر قابل پذیرش، موجب عدم اتقان کافی کار شده و کاهش اعتبار علمی را نیز در پی دارد.^۸

این گونه اشکالات اساسی در کارهای ارائه شده نیاز به کشف متون مشترک میان فریقین و تحقیق جدی آنها را همچنان نیازی محسوس می نمایاند، که پاسخ‌های علمی و

۷. *سلسلة الأحادیث المشتركة*، در بیش از هفده جلد، شاید مراجعه به برخی از عناوین، مانند *البشاشة در الأخلاق*، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۵ و بالاتر از آن، موضوع «تبتین» که در آن هیچ متن مشترکی موجود نیست، بلکه موضوعات و اسباب ورود آیه (سورة حجرات، آیه ۶) مرتبط را در پرتو دو ماجرای متفاوت بیان می کند؛ البته از این مصادیق در مجموعه‌های گوناگون بسیار است که با عناوین مختلف و در ابواب متعددی به زیور نشر آراسته شده است؛ هر چند در برخی عناوین متون مشترک نیز وجود دارد، اما اهتمام اصلی کاربر موضوعات مشترک است.

۸. چنان که مصادر واسطه مأخذدهی شده است؛ منابعی مانند: *کنز العمال و الدرر المنثور* در مصادر اهل سنت و تأویل *الآیات الظاهرة و بحار الأنوار و سفینة البحار و وسائل الشیعة* و مستدرک آن در منابع شیعه که در حقیقت، به دلیل در دسترس بودن منابع اولیه این مصادر و امکان دستیابی به آن، ارجاع و اخذ از این مصادر اعتبار علمی کار را از بین می برد، اشکال جدی تر استناد به مصادر معاصر و تنظیمات جدید در ارائه نصوص است؛ مصادری مانند *نصرة النعمیم، میزان الحکمة، نهج الفصاحة، جامع احادیث الشیعة* و... از مصادری است که در عصر حاضر به جمع آوری و تنظیم جدید متون حدیثی پرداخته اند و استناد به آنها برای چنین کاری به دور از دقت‌های علمی در ارجاع متون است، آنچه که به طور جدی تحقیق مصادر این گونه کارها را دچار چالش و اشکال می کند توجه مؤلفین آن، به وجود یک متن در مصادر معتبر و کوتاهی در دستیابی و تحقیق آن است، که در باب تحقیق مصادر امری نابخشودنی است و وجود تعبیری چون: «*نصرة النعمیم نقلاً عن سنن النسائی*» گواه آن است. البته این اشکال منحصر به این گونه موارد نیست و نوع پیشرفته آن استفاده از مصدر واسطه و ارجاع به منابع غیر حدیثی است؛ چنان که تعبیری چون: «*نصرة النعمیم نقلاً عن سیرة ابن هشام*» گویای عمق اشکال است.

عملی را به خود می خواند.

تبیین مفهوم متون مشترک

تبیین محتوا و تقسیم صحیح مراتب در بحث رکن اساسی و پایه در یک پژوهش علمی است، و بدون تبیین مراتب مختلف موضوع، پی جویی آن امری سخت و دیرپاب به نظر می رسد. بر همین پایه، تبیین مفهومی متون مشترک و نمایاندن گونه های مختلف آن در منابع فریقین را موضوع پژوهش خود قرار داده ایم.

در بررسی متون مشترک، یک نکته محوری و مهم رخ می نماید و آن توجه به این مهم است که متون مشترک الزاماً در فریقین به نبی مکرم اسلام ﷺ منتهی نمی گردد؛ چنان که در بسیاری از موارد این متون بدون رفع به نبی مکرم اسلام ﷺ ذکر شده است.^۹ در منابع شیعه احادیث بسیاری از ائمه علیهم السلام نقل شده و اشاره ای به نبوی بودن حدیث در ضمن متن نشده است، در حالی که منابع اهل سنت همان حدیث را از پیامبر اکرم ﷺ نقل نموده اند - که این خود مؤید روایات مسبق الذکر مبنی بر تأکید اهل بیت علیهم السلام نسبت به پرهیز از رأی شخصی و نقل کلمات رسول اکرم ﷺ نیز محسوب می گردد؛ به عنوان نمونه:

عنه علیه السلام: ما استرذل الله عبداً إلا حرمه العلم.^{۱۰}

همین روایت در منابع شیعه از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است.^{۱۱}

و همچنین:

رسول الله صلی الله علیه و آله: اللهم أغنني بالعلم، وزيني بالحلم، وأكرمني بالتقوى، وجملني بالعافية.^{۱۲}

همین روایت در منابع شیعه از امام صادق علیه السلام نقل شده است.^{۱۳}

و همچنین:

رسول الله صلی الله علیه و آله: إن لقمان قال لابنه: يا بني، عليك بمجالس العلماء، واستمع كلام

۹. تذکر این نکته ضروری است که این مطلب فقط گزارش شکل استنادات موجود در منابع حدیثی فریقین است.

۱۰. فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۵۸، ح ۶۱۸۲.

۱۱. نهج البلاغه، ح ۲۸۸.

۱۲. الحلم، ج ۱۹، ص ۳.

۱۳. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۷۲، ح ۲۳۲.

الحکماء، فإن الله يحيي القلب الميت بنور الحكمة كما يحيي الأرض الميتة بوابل المطر. که در منابع اهل سنت از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده^{۱۴} و در منابع شیعه از امام کاظم ﷺ وارد شده است. از سوی دیگر، در بسیاری از موارد همان مطلب که از امامان شیعه: در مصادر شیعی وارد شده است، در منابع اهل سنت به عنوان قول صحابی آمده است؛ مانند این متن: الإمام الصادق ﷺ: كفى بخشية الله علماً، وكفى بالاغترار به جهلاً.^{۱۶}

که در منابع اهل سنت از ابن مسعود نقل شده است.^{۱۷} بر پایه توجه به این مهم و تبیین صحیح مفهوم متن مشترک می توان گفت که برای دستیابی به اشتراکات متنی که نشأت گرفته از مصدری واحد، یعنی نبی مکرم اسلام ﷺ است، باید در دایره متون توسعه آشکاری قایل شد تا از گستردگی و شمول نتایج به دست آمده اطمینان حاصل شود. و این توسعه ناظر به افزودن اقوال و آثار صحابه در مجموعه متون مشترک و بررسی آن در ضمن این مجموعه خواهد بود که برای تأمین مقصود امری ضروری به نظر می رسد.

با توجه به این مطلب نصوص مشترک را در دو دو مرتبه می توان سازماندهی نمود:
الف: احادیث شامل: کلمات نبی مکرم اسلام ﷺ و آئمه اطهار ﷺ.
ب: آثار شامل: اقوال و نظرات صحابه و تابعین.

حال اگر ما این تبیین را در مفهوم متون مشترک که مبتنی بر توسعه در دایره شمول آن است بپذیریم، تعریف ما از متن حدیث یا متن مشترک حدیثی در این مقاله با معنایی که شهید ثانی در تعریف حدیث ارائه کرده است،^{۱۸} یعنی معنایی اعم از حدیث، خبر و اثر، همخوانی تام خواهد داشت.^{۱۹}

۱۴. المعجم الكبير، ج ۸، ص ۱۹۹، ج ۸، ص ۷۸۱.

۱۵. تحف العقول، ص ۳۹۳.

۱۶. همان، ص ۳۶۴.

۱۷. المعجم الكبير، ج ۹، ص ۱۸۹.

۱۸. «الخبر المرادف للحدیث، أعم من أن يكون قول الرسول ﷺ والإمام ﷺ، والصحابی، والتابعی، وغيرهم من العلماء والصلحاء ونحوهم، وفي معناه فعلهم وتقريرهم. هذا، هو الأشهر في الاستعمال، والأوفق لعموم معناه اللغوي» (الرعاية في علم الدراية، ص ۵۰).

۱۹. البته تذکر این نکته لازم است که اختلافات این اصطلاحات و نسبت آنها با یکدیگر در کتب مبسوط مرتبط با علوم حدیث مورد بحث و نقاش واقع شده است که طرح آن از حوصله این مقاله خارج است (رک: أصول الحدیث، ص ۲۹)

مراتب اشتراک در میان نصوص

در میان نصوص و متون موجود در کتب حدیثی فریقین، شیعه و اهل سنت، متون مشترک بسیاری وجود دارد که بر اساس بررسی به عمل آمده، می‌توان مراتب تشکیکی و گروه‌های متعددی را برای ساماندهی آنها تعریف نموده و تبیین کرد.

توجه به رده‌بندی موضوعی مباحث و تفکیک حوزه‌های گوناگون بحث حدیثی و نسبت سنجی صحیح میزان تراکم نصوص به تناسب موضوعات در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که به عنوان نمونه، اشتراک یابی در میان متون فرهنگی و اخلاقی - که ناظر به آداب و سنن است - نسبت به امور پیچیده فقهی و کلامی شاید امری آسان‌تر به نظر برسد.^{۲۰}

شاید یکی از نکاتی که موجب تعجب پی‌جویان این دست از متون واقع شود، توزیع یکسان و فراوانی این مجموعه در تمامی گرایش‌های موضوعی است؛ چنان که می‌توان گفت به همان نسبت که در موضوعات مرتبط با آداب و سنن متون مشترک در فریقین رخ می‌نماید، به همان نسبت در مباحث فقهی و کلامی توزیع و فراوانی متون مشترک کاملاً مشهود است.^{۲۱}

بنا بر این، رده‌بندی موضوعی و تکاثر نصوص در برخی موضوعات نمی‌تواند همت اولیه این پژوهش را به خود معطوف دارد و نسبت سنجی صحیحی را در باب متون مشترک در اختیار ما قرار دهد.

شاید صحیح‌ترین راه و نزدیک‌ترین مسیر را در تقسیم متون مشترک بتوان از رهگذر نوع اشتراک و مراتب آن در منابع فریقین پی‌جویی نمود. در حقیقت، از آنجا که اشتراک، حیثیت پایه‌ای این پژوهش محسوب می‌گردد توجه به مراتب آن در منابع و گونه‌های مختلف آن می‌تواند صحیح‌ترین راه در تقسیم رده‌بندی متونی از این دست باشد و رده‌بندی موضوعی و مباحث دیگر به نوعی تابع این بحث قرار گیرد.

با این نگاه می‌توان گفت در بررسی و پالایش منابع فریقین نوع اشتراکات متون در الفاظ و مفاهیم در چهار دسته کلی رده‌بندی می‌شود:

- (۳۳).

۲۰. توجه اشتراکات میان ادیان و گونه‌های مختلف فرهنگی در سرتاسر دنیا با وجود اختلافات نژادی و منطقه‌ای و دینی مؤید این حقیقت است.

۲۱. رک: موسوعة العقائد الإسلامية؛ مدارک فقه اهل السنة علی نهج وسائل الشیعة.

الف) تطابق کامل لفظ و مفهوم

این دسته شامل متونی است که مفهوم واحدی را در الفاظ و عبارات یکسان بیان می‌دارد و در کتب معتبر فریقین وارد شده است؛ به این معنا که شیعه این متون را از طرق و اسانید شیعی خود، و اهل سنت نیز از طرق و اسانید سنی خود نقل کرده‌اند، و در ضبط و نقل متن و مفهوم همگون‌اند.

از این دست متون مشترک در کتب معتبر حدیث، چه کتب حدیثی شیعه و چه منابع حدیثی اهل سنت، بسیار است؛ چیزی که شاید برای کسانی که ارتباط مستقیم با منابع حدیثی ندارند و یا بی توجه از کنار آن می‌گذرند، امری اعجاب برانگیز باشد.

این گروه از نصوص مجموعه عظیمی است که در نگاه اجمالی به چشم نمی‌آید، اما در نگاه تیزبین پژوهشگران این حوزه امری آشنا و حقیقتی مشهود است و نه تنها در بحث‌های عمومی و اخلاقیات و اعتقادات، بلکه در فروع دقیق فقهی نیز مصادیق بسیاری برای این مجموعه وجود دارد؛ به عنوان نمونه: در باب چهارم از ابواب مقدمه عبادات کتاب *وسائل الشیعه* روایتی به نقل از کتاب *قرب الأستاد* آمده که با سند شیعی از امام صادق علیه السلام نقل می‌شود که این گونه است:

محمد بن علی بن الحسین باسناده، عن حماد بن عمرو، وأنس بن محمد، عن أبيه جميعاً، عن جعفر بن محمد، عن أبيه عن آبائه عليه السلام في وصية النبي صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام قال: يا علي، لا يتم بعد احتلام.^{۲۲}

دقیقاً همین متن از طرق اهل سنت و در معتبرترین کتب احادیث فقهی ایشان وارد شده است:

حدثنا أحمد بن صالح، ثنا يحيى بن محمد المدني، ثنا عبد الله بن خالد بن سعيد بن أبي مریم، عن أبيه، عن سعيد بن عبد الرحمن بن يزيد بن رقيش، أنه سمع شيوخاً من بني عمرو بن عوف ومن خاله عبد الله بن أبي أحمد: قال علي بن أبي طالب: حفظت عن رسول الله صلى الله عليه وآله لا يتم بعد احتلام.^{۲۳}

و همین گونه است حدیث رفع - که در همین باب *وسائل الشیعه*، از کتاب *الخصال* و از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده است و در منابع اهل سنت به نقل‌های مختلف از نبی مکرم اسلام صلى الله عليه وآله وارد شده است:

۲۲. *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱، ص ۴۵، ح ۷۹۹.

۲۳. *سنن ابی داود*، ج ۱، ص ۶۵۷، ح ۲۸۷۳؛ *سنن البیهقی*، ج ۶، ص ۵۷.

حدثنا موسى بن إسماعيل، ثنا وهيب، عن خالد، عن أبي الضحى، عن علي بن أبي طالب عن النبي ﷺ: رفع القلم عن ثلاثة: عن النائم حتى يستيقظ، وعن الصبي حتى يحتلم، و عن المجنون حتى يعقل.^{٢٤}

همین روایت از طریق «عائشة^{٢٥}» و «أبي قتادة^{٢٦}» نیز از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است. از این دست متون می‌توان نمونه‌های متعدد از ابواب گوناگون فقهی ارائه نمود؛ چنان که در باب ٩٣ از ابواب «آداب الحمام...» روایت ذیل در وسائل الشیعه به نقل از الکافی وارد شده است:

علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: طيب النساء ما ظهر لونه و خفي ريحه، و طيب الرجال ما ظهر ريحه و خفي لونه.^{٢٧}

همین متن از طرق متعدد اهل سنت و در کتب معتبر حدیثی ایشان نقل شده است:

حدثنا محمود بن غيلان، أخبرنا أبو داود الحفري، عن سفیان عن الجريري، عن أبي نضرة عن رجل، عن أبي هريرة، قال رسول الله ﷺ: طيب الرجال ما ظهر ريحه و خفي لونه، و طيب النساء ما ظهر لونه و خفي ريحه.^{٢٨}

این متن از طرق عمران بن حصین^{٢٩} و ابی موسی الأشعری^{٣٠} و ابی عثمان النهدی^{٣١} نیز از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است.

از این دست روایات بسیار است، و تحقیقاً حجم قابل توجهی از متون فقهی ما را این گونه متون مشترک تشکیل می‌دهند، و شاید بتوان ادعا نمود که بخش قابل توجهی از اهداف مورد نظر در تدوین احادیث فقهی را می‌توان با همین متون مشترک پاسخ

٢٤. سنن أبی داود، ج ٢، ص ٣٣٩، ح ٤٤٠٣؛ سنن الترمذی، ج ٢، ص ٤٣٨، ح ١٤٤٦؛ السنن الکبری للنسائی، ج ٤، ص ٣٢٤، ح ٧٣٤٦ و ح ٧٣٤٧؛ سنن البیهقی، ج ٣، ص ٨٣؛ ج ٤، ص ٣٢٥.

٢٥. سنن أبی داود، ج ٢، ص ٣٣٨، ح ٤٣٩٨؛ السنن الکبری للنسائی، ج ٣، ص ٣٦٠، ح ٥٦٢٥؛ سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٦٥٨، ح ٢٠٤١.

٢٦. المستدرک علی الصحیحین، ج ٤، ص ٣٨٩.

٢٧. الکافی، ج ٦، ص ٥١٢، ح ١٧؛ وسائل الشیعه (آل البيت)، ج ٢، ص ١٤٧، ح ١٧٦٢.

٢٨. سنن الترمذی، ج ٤، ص ١٩٥، ح ٢٩٣٨؛ سنن أبی داود، ج ١، ص ٤٨٢، ح ٢١٧٤ نحوه؛ سنن النسائی، ج ٨، ص ١٥١؛ سنن البیهقی، ج ٧، ص ١٩٤.

٢٩. سنن الترمذی، ج ٤، ص ١٩٥، ح ٢٩٤٠؛ المعجم الکبیر، ج ١٨، ص ١٤٧.

٣٠. المعجم الأوسط، ج ١، ص ٢١٥.

٣١. المصنف عبد الرزاق، ج ٤، ص ٣٢١، ح ٧٩٣٨.

داد و موارد اختلافی باقی مانده را نیز می‌توان بر محور همین متون مشترک سازماندهی نمود.^{۳۲}

ب) تطابق مفهوم همراه با اختلافات جزئی در عبارات

این دسته از نصوص، ملحق به دسته اول است؛ با این تفاوت که گاهی نقایص یا تفاوت‌هایی در نقل آنها موجود است؛ به عنوان مثال ممکن است در منابع یکی از فریقین کامل‌تر از دیگری باشد و یا بخش‌هایی از یک حدیث به صورت مشترک وارد شده باشد؛ مانند این دو متن:

الكافی: عن الإمام الصادق عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا طعم عند أهل بيته، قال لهم: طعم عندكم الصائمون، وأكل عندكم الأبرار، وصلت عليكم الملائكة الأخيار.^{۳۳}

سنن ابن ماجه: عن عبد الله بن الزبير: أظفر رسول الله صلى الله عليه وآله عند سعد بن معاذ فقال: أظفر عندكم الصائمون، وأكل طعامكم الأبرار، وصلت عليكم الملائكة.^{۳۴}

نمونه دیگر از این دسته از متون: در کتاب صحیح البخاری، عائشه از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله این متن را نقل می‌کند:

حدثنا محمد بن أبي بكر، حدثنا معتمر، عن عبيد الله، عن سعيد بن أبي سعيد، عن أبي سلمة بن عبد الرحمن، عن عائشة: أن النبي صلى الله عليه وآله كان يحتجر حصيراً بالليل فيصلي ويبسطه بالنهار فيجلس عليه، فجعل الناس يثوبون إلى النبي صلى الله عليه وآله فيصلون بصلاته حتى كثروا فأقبل فقال: يا أيها الناس! خذوا من الاعمال ما تطيقون فان الله لا يمل حتى تملوا وان أحب الاعمال إلى الله ما دام وان قل.^{۳۵}

بخش‌هایی از این متن در وسائل الشیعه، باب ۲۵ از ابواب مقدمه عبادات با اسناد شیعی به نقل کتاب الکافی از امام باقر عليه السلام آمده است:

أبو علي الأشعري، عن عيسى بن أيوب، عن علي بن مهزيار، عن فضالة بن أيوب، عن معاوية بن عمار، عن نجبة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: ما من شيء أحب إلى الله عز وجل من عمل يداوم عليه وإن قل.^{۳۶}

۳۲. تذکر این نکته ضروری است که این نسبت فقط گویای متونی است که لفظاً و مفهوماً مشترک اند؛ یعنی فقط یک بخش از مراتب چهارگانه متون مشترک، از مراتب دیگر نیز متون بسیاری در میان روایات شیعه موجود است.

۳۳. الکافی، ج ۶، ص ۲۹۴، ح ۱۰.

۳۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۵۶، ح ۱۷۴۷.

۳۵. صحیح البخاری، ج ۷، ص ۵۰؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۸۸ - ۱۸۹ و فی آخره: «كان آل محمد صلى الله عليه وآله إذا عملوا عملاً أثبتوه».

۳۶. الکافی، ج ۲، ص ۸۲، ح ۳؛ وسائل الشیعه (آل البيت)، ج ۱، ص ۹۴، ح ۲۲۲.

همان گونه که مشهود است، مقصود و محتوای واحدی در این گونه نصوص پی‌گیری می‌شود و ارکان و الفاظ متن واحد است و تنها اختلافات جزئی و کم و کاستی‌های تعبیر موجب تفاوت متون شده است.

ج) مفهوم واحد در قالب الفاظی متفاوت

حجم عظیمی از نصوص در مصادر شیعه و اهل سنت موجود است که مفهوم واحدی را نفعاً یا اثباتاً پی‌گیری می‌نماید، اما الفاظ متفاوتی را استخدام نموده است. البته کاملاً روشن است که این دسته از نصوص مراتب تشکیکی بسیاری را می‌تواند در برگیرد. آنچه در این مقاله مقصود است، موارد بین و روشن بحث است؛ به گونه‌ای که نیاز به توضیح و تبیین نداشته باشد و خود متن با وجود تفاوت‌ها گویای یگانگی مطلب باشد. این گونه از نصوص در حقیقت مصداق اختلافات روایت در نقل حدیث است؛ مانند این دو متن:

فضائل الأشهر الثلاثة: حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق، قال حدثنا أحمد بن محمد الهمداني، قال حدثنا علي بن الحسن بن علي بن فضال، عن أبيه، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام، عن أبيه موسى بن جعفر عليه السلام، عن أبيه الصادق جعفر بن محمد عليه السلام، عن أبيه الباقر عليه السلام، عن أبيه زين العابدين عليه السلام، عن أبيه سيد الشهداء الحسين بن علي عليه السلام، عن أبيه سيد الوصيين أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، عن رسول الله صلى الله عليه وآله في خطبة: ... فان الشقي من حرم من غفران الله في هذا الشهر العظيم. ^{۳۷}

سنن الترمذي: حدثنا أحمد بن إبراهيم الدورقي، أخبرنا ربعي بن إبراهيم، عن عبد الرحمن بن إسحاق، عن سعيد بن أبي سعيد المقبري، عن أبي هريرة، قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ... رغم أنف رجل دخل عليه رمضان ثم انسلخ قبل أن يغفر له. ^{۳۸}

در این بخش از متون مشترک نیاز به تبیین دقیق‌تر بیش از دیگر گروه‌ها محسوس است.

د) متونی که به اشتراک گذاشته شده‌اند

در منابع حدیثی متون بسیاری موجود است که اگرچه از طریق یکی از فریقین وارد شده است، اما توسط فرقه دیگر نیز مورد بهره‌برداری و استفاده قرار گرفته و تصحیح شده است. این دسته از متون خود گویای تعامل مشترک فریقین و استفاده علمی مذاهب گوناگون

۳۷. فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۷۷.

۳۸. سنن الترمذي، ج ۵، ص ۲۱۰، ح ۳۶۱۳.

از نتایج علمی یکدیگر است، مصادیق این مجموعه در آثار صدوق از کتب شیعه و بسیاری از منابع حدیثی اهل سنت به چشم می‌خورد، هرچند که جدای از آنچه عیان است نتایج پژوهشی ما نیز گویای کثرت و بسیاری این متون در کتب فریقین است. به عنوان نمونه روایت ذیل که در منابع معتبر اهل سنت وارد شده و از طریق آنها به ما رسیده است:

سنن أبي داود: حدثنا مسدد، أن بشر بن المفضل وخالد بن عبد الله حدثاهم، المعنى، عن خالد الحذاء، عن بركة، قال مسدد في حديث خالد بن عبد الله: عن بركة أبي الوليد ثم اتفقا عن ابن عباس، قال: رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله جالسا عند الركن، قال: فرجع بصره إلى السماء فضحك فقال: لعن الله اليهود - ثلاثا - إن الله حرم عليهم الشحوم فباعوها وأكلوا أثمانها، وإن الله إذا حرم على قوم أكل شيء حرم عليهم ثمنه.^{٣٩}

این روایت از طریق کتاب *عوالی اللئالی* به تعابیر مختلف وارد منابع روایی شیعه شده است:

عوالی اللئالی: قال صلى الله عليه وآله: لعن الله اليهود، حرمت عليهم الشحوم، فباعوها وأكلوا أثمانها. وإن الله تعالى، إذا حرم على قوم أكل شيء حرم عليهم ثمنه.^{٤٠}
عوالی اللئالی: قال النبي صلى الله عليه وآله: إن الله إذا حرم شيئا حرم ثمنه.^{٤١}

نکته مهم و جالب توجه در خصوص این روایت آن است که این متن با وجود این که ظاهرا باید در شیعه غیر معتبر و مطرود محسوب گردد، اما به طور جدی مورد استفاده قرار گرفته است، نه فقط در مباحث عمومی، بلکه در بحث‌های دقیق فقهی و در کتب معتبر فقهای شیعه وارد شده و بحث‌های استدلالی بسیار جدی پیرامون آن شکل گرفته است.^{٤٢}

تحقیق موردی و تبیین میزان اشتراک

برای تبیین هرچه بیشتر میزان توزیع متون مشترک در منابع فریقین دو باب از ابواب کتاب شریف وسائل را به عنوان معیار قرار داده و به تبیین میزان توزیع متون مشترک در این

٣٩. سنن أبي داود، ج ٢، ص ١٤٢، ح ٣٤٨٨؛ مسند احمد بن حنبل، ج ١، ص ٢٤٧؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ٦، ص ١٣؛ المصنف لابن أبي شيبة، ج ٥، ص ٤٦، ح ٣.
٤٠. عوالی اللئالی، ج ١، ص ١٨١، ح ٢٤٠.
٤١. همان، ج ٢، ص ١١٠، ح ٣٠١.
٤٢. کتاب المکاسب، ج ١، ص ١٣.

دو باب می پردازیم.

نکات مهم در این تحقیق

با توجه به این که از یک سو برخی موضوعات موضوعات عام و کلی محسوب می شود و در مقابل، برخی موضوعات شامل فروع جزئی است، و از سوی دیگر، برخی ابواب و مفاهیم موجود در آنها مورد اتفاق فریقین است و برخی از موارد مباحث اختلافی و فروع مورد بحث در میان فریقین را در بر دارد، در این تحقیق موردی هر دو نکته را مورد اهتمام قرار داده ایم؛ چنان که از یک جهت باب فرایض خمس - که کلی ترین مباحث را در بر دارد - انتخاب شده و از جهت دیگر، بحث بلوغ - که هم ناظر به فروع جزئی است و هم از مباحث مورد اختلاف شیعه و اهل سنت است - در نظر گرفته شده است.

اما نتیجه این مقایسه و تحقیق موردی را می توان این گونه گزارش نمود:

در باب اول از مجموعه ابواب مقدمة العبادات^{۴۳} - که به تبیین فرایض اساسی و شاخص های پایه ای دین مبین اسلام می پردازد - صاحب وسائل^{۳۹} روایت جمع آوری نموده است. در این مجموعه بر اساس شکل توزیع مفاهیم در میان نصوص می توان گفت محورهای اصلی مورد تأکید شامل: صلاة، صوم، زکاة، حج، جهاد و ولایة است و محورهای فرعی آن شامل: شهادتین - که بخشی از مبحث ولایة محسوب می گردد -، امر به معروف و نهی از منکر - که زیر مجموعه جهاد قرار می گیرد -، صدقه - که زیر مجموعه زکات قرار می گیرد -، جماعه - که در حقیقت، بیان کننده روحیه و نوع گرایش در فرایض الهی است - و طاعة - که بیان کننده ضرورت التزام به این مجموعه است -.

با بررسی متون اهل سنت و قرار دادن هر دو مجموعه در یک فضای مشترک و تبیین نقاط افتراق می توان نتایج ذیل را استفاده نمود

- اول آن که از مجموعه ۳۹ روایت وسائل تنها ده روایت در محدوده نصوص مشترک قرار نمی گیرد^{۴۴} که این موارد نیز مغایرت و مخالفت اساسی با باقی متون ندارد و می تواند به

۴۳. وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۱، ص ۱۳ ب ۱؛ «بَابُ وُجُوبِ الْعِبَادَاتِ الْخَمْسِ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ».

۴۴. رک: صحیح البخاری، ج ۱، ص ۸ و ج ۵، ص ۱۵۷؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۴؛ المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۱۳۵؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۱۲۴ - ۱۲۵، ح ۲۷۴۹ و ج ۲، ص ۶۲، ح ۶۱۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۱۴، ح ۳۹۷۳؛ مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۲۳۱ و ص ۲۶۲ و ج ۴، ص ۲۸۶ و ج ۶، ص ۱۴۵؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۱ و ص ۹؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۰، ص ۴۲۶ - ۴۲۷؛ مسند أبی یعلی، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۵۲۳؛ المعجم الكبير، ج ۹، ص ۱۶۰؛ المصنف لعبد الرزاق، ج ۳، ص ۱۲۵، ح ۵۰۱۱ و ج ۵، ص ۱۷۳ - ۱۷۴، ح ۹۲۸۰؛ المصنف لابن أبی شیبة، ج ۴، ص ۶۰۰، ح ۵.

عنوان معاضدات نصوص محسوب گردد.

- دوم آن که اختلاف جدی در میان روایات شیعه و متون اهل سنت تنها در یک مورد از موارد چندگانه مذکور است که همان بحث ولایت است.

در بحث ولایت، با توجه به این که متون شیعی نیز در بر دارنده شهادتین به صورت مجزاست، می توان گفت که در حقیقت، در روایات شیعه یک عنوان، اضافه بر عناوین چندگانه مذکور در متون فریقین وجود دارد و منشأ اختلاف در عنوان افزوده است.

حال مسأله این است که آیا این عنوان افزوده عامل اختلاف متون می گردد و حوزه فقهی شیعه را از حوزه اهل تسنن جدا می سازد و از خصوصیات مذهب باید فرض شود که در آن بحث و توجیه راه ندارد؟ یا آنکه راه توجیه منطقی برای آن وجود دارد تا به وسیله آن به تبیین چرایی این اختلاف بپردازیم؟

نکته قابل توجه آن است که در خود مجموعه متون دو وجه برای حل این اختلاف و تبیین چرایی آن وارد شده است که قابل تأمل است:

- تبیین اول: در روایت فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام^{۴۵} آمده است که علت این مازاد و این عنوان جدید را ناظر به اقبال مردم و ادبار ایشان تحلیل می کند و می فرماید: «فأخذ الناس بأربع وتركوا هذه». پس توجیه اول در باب این اختلاف عدم اقبال مردم و بی توجهی ایشان به این عنوان است که موجب بروز این تفاوت شده است و خود عنوان از اساس وجود داشته اما مورد تغافل واقع شده است، از این رو، امام علیه السلام در مقام احیای آن است.

- تبیین دوم: در روایت سفیان بن السمط از امام صادق علیه السلام^{۴۶} آمده است که ولایت و معرفت این امر را شرط ایمان شمرده است و میان اسلام و ایمان مراتب تشکیکی برقرار نموده است؛ بویژه با استفاده از این نوع تعبیر که بسیار تأمل برانگیز است که می فرماید:

۴۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۸، ح ۳ و فیه: أبو علی الأشعری، عن الحسن بن علی الكوفي، عن عباس بن عامر، عن أبان بن عثمان، عن فضیل بن یسار، عن أبي جعفر علیه السلام قال: «بنی الاسلام علی خمس: علی الصلاة والزكاة والصوم والحج والولاية ولم یناد بشئ کما نودی بالولاية، فأخذ الناس بأربع وتركوا هذه - یعنی الولاية».

۴۶. الکافی، ج ۲، ص ۲۴، ح ۴: «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن علی بن الحکم، عن سفیان بن السمط قال: سأل رجل أبا عبد الله علیه السلام عن الاسلام والایمان، ما الفرق بینهما، فلم یجبه ثم سأله فلم یجبه ثم التقی فی الطريق وقد أرف من الرجل الرحیل، فقال له أبو عبد الله علیه السلام: كأنه قد أرف منک رحیل؟ فقال: نعم. فقال: فالفنی فی البیت، فلقیه فسأله عن الاسلام والایمان ما الفرق بینهما، فقال: الاسلام هو الظاهر الذی (علیه الناس): شهادة أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له وأن محمداً عبده ورسوله وإقام الصلاة وإیتاء الزكاة وحج البیت وصیام شهر رمضان فهذا الاسلام، وقال: الایمان معرفة هذا الامر مع هذا فان أقر بها ولم یعرف هذا الامر کان مسلماً وكان ضالاً».

الاسلام هو الظاهر الذی (علیه الناس)، لذا می توان گفت در حوزه مبانی اسلامی میان فریقین هیچ اختلافی در تشریحات پایه نیست، بلکه اختلاف در رتبه بالاتر آن یعنی ایمان است که ولایت شرط ورود به آن حوزه است

البته تمامی این نکات بعد از آن است که در نصوص اهل سنت نیز به ضرورت ولایت تصریح شده است؛ چنان که در متن منقول از ابن سیرین آمده است: «وتسمع وتطیع لمن ولی الله الامر».^{۴۷}

اما در باب چهارم از ابواب مقدمة العبادات^{۴۸} - که به تبیین اشتراط تکلیف به بلوغ و علائم آن می پردازد - از مجموعه دوازده روایت وارده در باب تنها دو روایت آن در محدوده متون مشترک حدیثی قرار نمی گیرد^{۴۹} که هر دو مربوط به سن بلوغ دختران است: یکی روایت یزید الکناسی از ابی جعفر^{۵۰} است - که بالغ شدن و رسیدن به نه سال را برای تکلیف دختران شرط می کند - و روایت دوم، روایت اسماعیل بن جعفر^{۵۱} است که به ازدواج پیامبر اکرم^ﷺ با عایشه می پردازد و سن عایشه را که ده سال بوده است، ملاک در بلوغ قرار داده است.

با دقت در مورد اختلاف، یعنی اعتبار سن خاص در تحقق بلوغ، می توان گفت که این مطلب نیز تعارضی با متون مشترک ندارد و با فرض تحقق حیض در سنین یاد شده و تقارن این دو با هم، معارضه تصور شده در باب این دو متن با متون مشترک - که ملاک را بر

۴۷. المصنف، ج ۱۱، ص ۳۳۰، ح ۲۰۶۸۳: «عن ابن سیرین: کان أبو بکر وعمر یأخذان علی من دخل فی الاسلام فیقولان تؤمن بالله، لا تشکر به شیئاً، وتصلی الصلاة التي افترض الله عليك لوقتها، فإن فی تفریطها الهلکة، وتؤدی زکاة مالک طيبة بها نفسک، وتصوم رمضان، وتحج البيت، وتسمع وتطیع لمن ولی الله الامر. قال: وزاد رجلاً مرة تعمل لله ولا تعمل للناس».

۴۸. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۲ ب ۴: «باب اشتراط التکلیف بالوجوب والتحریم بالاختلام أو الإنبات مطلقاً أو بلوغ الذکر خمس عشرة سنة والأنتی تسع سنین واستحباب تمرین الأطفال علی العبادة قبل ذلك».

۴۹. رک: صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۵۸-۱۵۹؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۳۰۲۹؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۶۵۷، ح ۲۸۷۳؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۴۳۸، ح ۱۴۴۶؛ السنن الکبری للنسائی، ج ۳، ص ۳۶۰، ح ۵۶۲۵؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۳۸۹؛ المصنف لعبد الرزاق، ج ۹، ص ۸۱، ح ۱۶۴۲۴؛ سنن الدارمی، ج ۲، ص ۴۲۵-۴۲۶؛ مستند ابن حنبل، ج ۴، ص ۳۸۳؛ المصنف لابن ابی شیبة، ج ۷، ص ۳۰۰، ح ۴ و ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۱؛ سنن البیهقی، ج ۶، ص ۵۸.

۵۰. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۳، ح ۷۳-۳: «و بالإسناد عن ابن محبوب، عن ابی أيوب الخزاز، عن یزید الکناسی، عن ابی جعفر^ﷺ قال: الجارية إذا بلغت تسع سنین ذهب عنها الثیم - و زوجت وأقیمت علیها الحدود الثامه لها...».

۵۱. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۴، ح ۷۵-۵: «وعن علی بن إبراہیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس، عن ابی أيوب الخزاز، عن إسماعیل بن جعفر فی حدیث أن رسول الله^ﷺ دخل بعائشة - وهي بنت عشر سنین - ولیس یدخل بالجارية حتی تكون امرأة».

حیض قرار داده‌اند - مرتفع می‌گردد.

از سوی دیگر، روایت عمار ساباطی از ابی عبد الله علیه السلام - که رسیدن به سیزده سال را برای بلوغ دختر و پسر به عنوان ملاک بیان می‌کند - این امر را مشروط به عدم تحقق احتلام یا حیض قبل از سیزده سال می‌داند. بنا بر این، می‌توان روایت عمار ساباطی را مؤید وجه جمع میان ملاک قرار دادن حیض و تعیین سن مشخص برای تحقق بلوغ دانست.

بر این پایه متون مربوط به تعیین سن و زمان مشخص برای بلوغ تعارضی با متون مشترک ندارد. و در مورد باقی علائم بلوغ - که شامل احتلام، انبات، رسیدن پسران به پانزده سال و حیض است - متون فریقین مشترک و مورد اتفاق است.

بنا بر این، می‌توان به راحتی کشف نمود که هم در مبانی و پایه‌های اندیشه‌ای فریقین و هم در فروع جزئی حتی در مسائل اختلافی هم درصد و نسبت متون مشترکی که در اختیار فریقین است، بسیار بیشتر از میزان متون اختلافی است. توجه به این امر نقطه عطف مهمی در اندیشه‌ها و رویکردهای معاصر حوزه اندیشه‌ای دین مبین اسلام خواهد بود و منشأ تأثیر گذاری در همگرایی اندیشه‌های مسلمین خواهد شد.

آثار و نتایج علمی پی جویی متون مشترک

پی جویی و کشف متون مشترک در میان منابع حدیثی فریقین آثار و ثمرات بسیاری را در پی خواهد داشت که از یک سو موجب شکوفایی مباحث و تقارب اندیشه‌ها خواهد شد و از سوی دیگر، فرصت‌های معاصر را برای اندیشمندان حوزه‌های گوناگون دین فراهم می‌نماید تا با بحث و قلم زنی در این حوزه‌ها اسباب پیشبرد اهداف مشترک اسلامی را مهیا سازند.

به طور خلاصه ثمرات جدی بررسی متون مشترک را این گونه می‌توان ترسیم نمود:

۱. تبیین اشتراکات حدیثی موجود در میان منابع فریقین که موجب تقارب مبانی اندیشه اسلامی در میان مذاهب می‌گردد؛

۲. اتقان در اثبات صدور احادیث؛ این از آن روست که منابع حدیثی در فضای مخالفت و تقابل فریقین و تفرقه افکنی حکام ظالم و دشمنان دین در میان شیعه و سنی شکل گرفته است. با فهم دقیق و نگاه مبنایی نسبت به این تقابل، وجود متون مشترک در منابع حدیثی، به جد موجب اطمینان مخاطب از قطعیت صدور این دسته از متون خواهد شد و نیاز به بحث سندی در مورد این دسته از متون منتفی تلقی گردیده و عدم

اتقان اسناد نمی‌تواند آسیبی به این اطمینان وارد کند.

۳. تعیین مراتب برای نصوص و پایه قرار دادن نصوص مشترک برای مباحث علمی و ارجاع فروع اختلافی به این اصول؛ در توضیح آن می‌توان اشاره نمود که با توجه به حجم زیاد نصوص مشترک در منابع حدیثی فریقین و درصد بالای اطمینان‌آوری آنها می‌توان از این نصوص به عنوان مبانی پایه در اندیشه حدیثی بهره برد و اختلافات موجود در فروع را با توجه به این مبانی مشترک جهت دهی نمود.

۴. رد نصوص دال بر مفاهیم اختلافی میان فریقین بر نصوص مشترک و داوری در مورد آنها بر اساس نصوص مشترک و تعیین میزان اعتبار بسیاری از نصوص بر این پایه؛ از نیازهای بسیار مهم معاصر در مباحث حدیثی، کشف یا تعیین مراتب نصوص و متون دینی است. با توجه به میزان اعتبار متون مشترک و جایگاه آنها در مجموعه متون دینی می‌توان این متون را به عنوان شاخص‌های اساسی در تعیین مراتب نصوص تعریف کرده و بر پایه آنها به رده‌بندی متون دینی اقدام نمود، که به حق این نقطه می‌تواند نقطه آغاز صحیحی برای این امر مهم محسوب گردد.

۵. کشف طرق موثق در میان فریقین بر اساس نصوص مشترک که موجب گسترش حوزه بحث رجالی شده و پایه‌ای اساسی برای بحث از رجال مشترک محسوب می‌گردد؛ با بررسی سندی و تفکیک اسناد متون مشترک می‌توان طرقی را که بیشترین موارد نقل مشترک را دارا هستند؛ یعنی طرقی که بیشترین نصوص قطعی را در بردارد، به عنوان اسانید و رجال معتبر تعریف نمود که فضایی فراتر از نگاه مذهبی در توثیق رجال در اختیار ما قرار خواهند داد. البته به نظر می‌رسد که نیاز به تکثیر تعداد نصوص مشترک در یک طریق و رجال یک سند در حد دو یا سه مورد نص مشترک کفایت لازم را برای توثیق مجموعه رجال آن سند دارا باشد.

۶. افزایش حوزه متون و نصوص شرعی؛ با توجه به توثیق طرقی که از آنها چندین متن مشترک موجود است، می‌توان از متون غیر مشترک این طرق نیز استفاده نمود که موجب افزایش دایره نصوص می‌گردد. با توجه به توسعه توثیق رجال اسناد نصوص مشترک می‌توان از نصوص غیر مشترک یک طریق معتبر نیز استفاده نمود که این خود دایره نصوص مورد وثوق و اطمینان را تا حد بسیاری افزایش داده و موجب توسعه مباحث اندیشه‌ای می‌گردد.

۷. مستند سازی مباحث تقریب بر اساس متون حدیثی که در کنار قرآن کریم دومین

پایه اساسی اندیشه اسلامی در تمامی حوزه‌های فکری دین است؛

۸. فضا سازی مناسب برای هم اندیشی دینی و جهت دهی فضاها تبلیغی؛
 ۹. پاسخ واقعی و عملی به بسیاری از شبهات عقایدی در خصوص عدم التزام شیعه به سنت نبوی و جدایی شیعه از فرق اسلامی و... چنان که در بسیاری از موارد نظریات شیعه تطابق کامل با اجماع صحابه دارد و در مواردی اگر چه با اجماع صحابه همخوانی نداشته است، اما در میان صحابه قایل دارد.^{۵۲}
 البته روشن است که بحث از هر یک از این ثمرات و راهکارهای دستیابی به آنها و همچنین تبیین مبانی بحث در این حوزه‌ها نیاز به بحث‌های تفصیلی بسیار دارد که از حوصله این مقال خارج است، اما فضای بحث و اندیشه همیشه بر اندیشمندان مسیر حق گشوده و روشن است.

کتابنامه

- الإخوان، ابن أبی الدنيا، تحقیق: محمد عبد الرحمن طوالبه بإشراف نجم عبد الرحمن خلف، دار الإعتصام.
 - الأمالی، الشيخ الطوسی، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية، قم، دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ق.
 - الأمالی، الشيخ الصدوق، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية، قم، مركز الطباعة والنشر فی مؤسسة البعثة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ق.
 - أصول الحديث، الدكتور عبد الهادی الفضلی، مؤسسة أم القرى للتحقیق والنشر - بیروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ذی القعدة ۱۴۲۱ق.
 - تحف العقول، ابن شعبة الحرانی، تصحیح وتعلیق: علی أكبر الغفاری، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۴ق/ ۱۳۶۳ش.
 - تهذیب الأحكام، الشيخ الطوسی، تحقیق وتعلیق: السيد حسن الموسوی الخرساني، طهران، دار الكتب الإسلامية، الطبعة: الثالثة، ۱۳۶۴ش.
 - الخصال، الشيخ الصدوق، تصحیح وتعلیق: علی أكبر الغفاری، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسة، ۱۸ ذی القعدة الحرام ۱۴۰۳ق/ ۱۳۶۲ش.
 - خلاصة الأقوال، العلامة الحلی، تحقیق: الشيخ جواد القیومی، مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة:

۵۲. رك: موسوعة نصوص أهل السنة على نهج وسائل الشيعة.

- الأولى، عيد الغدير ١٤١٧ق.
- دعائم الإسلام، القاضي النعمان المغربي، تحقيق: آصف بن على أصغر فيضى، دار المعارف، القاهرة، ١٣٨٣ق / ١٩٦٣م.
- رجال ابن الغضائري، أحمد بن الحسين الغضائري الواسطي البغدادي، تحقيق: السيد محمد رضا الجلالى، قم، دار الحديث، چاپ اول، ١٤٢٢ق / ١٣٨٠ش.
- رجال النجاشي، النجاشي، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦ق.
- الرعاية في علم الدراية، الشهيد الثانى، تحقيق: عبد الحسين محمد على بقال، مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى - قم المقدسة، الطبعة: الثانية، ١٤٠٨ق.
- سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد القزوينى، تحقيق وترقيم وتعليق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- سنن أبي داود، ابن الأشعث السجستاني، تحقيق وتعليق: سعيد محمد اللحام، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى، ١٤١٠ق / ١٩٩٠م.
- سنن الترمذى، الترمذى، تحقيق وتصحيح: عبد الوهاب عبد اللطيف، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، الطبعة الثانية، ١٤٠٣ق / ١٩٨٣م.
- سنن الدارمي، عبد الله بن بهرام الدارمي، مطبعة الاعتدال، دمشق، ١٣٤٩ق.
- السنن الكبرى، النسائي، تحقيق: عبد الغفار سليمان البندارى، سيد كسروى حسن، دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١١ق / ١٩٩١م.
- السنن الكبرى، البيهقي، دار الفكر.
- سير أعلام النبلاء، الذهبى، إشراف وتخريج: شعيب الأرنؤوط / تحقيق: حسين الأسد، مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: التاسعة، ١٤١٣ق / ١٩٩٣م.
- صحيح ابن حبان، ابن حبان، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة الثانية، ١٤١٤ق / ١٩٩٣م.
- صحيح البخاري، البخارى، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠١ق / ١٩٨١م.
- صحيح مسلم، مسلم النيسابورى، دار الفكر - بيروت - لبنان.
- علل الشرايع، الشيخ الصدوق، تقديم: السيد محمد صادق بحر العلوم، منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعتها، النجف الأشرف، ١٣٨٥ق / ١٩٦٦م.
- عوالي اللئالى، ابن أبى جمهور الأحسائى، تقديم: السيد شهاب الدين النجفى المرعشى /

- تحقيق: الحاج آقا مجتبی العراقي، سيد الشهداء - قم، الطبعة: الاولى، ١٤٠٣ق/١٩٨٣م.
- فضائل الأشهر الثلاثة، الشيخ الصدوق، تحقيق وإخراج: ميرزا غلام رضا عرفانيان، دار المحجة البيضاء للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ١٤١٢ق/١٩٩٢م.
- الفهرست، الشيخ الطوسي، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، مؤسسة النشر الإسلامي / مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة الأولى، ١٤١٧ق.
- قرب الأسناد، الحميري القمي، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، الطبعة الأولى، ١٤١٣ق.
- الكافي، ثقة الاسلام أبي جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي، تصحيح وتعليق: على أكبر الغفاري، تهران، دارالكتب الإسلامية، الطبعة: الخامسة، ١٣٦٣ش.
- كتاب المكاسب، الشيخ الأنصاري، تحقيق: لجنة تحقيق تراث الشيخ الأعظم، المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصاري، قم، الطبعة: الاولى، جمادى الأول ١٤١٥ق.
- المحاسن، أحمد بن محمد بن خالد البرقي، تصحيح وتعليق: السيد جلال الدين الحسيني (المحدث)، دارالكتب الإسلامية، طهران، ١٣٧٠ق/١٣٣٠ش.
- المعجازات النبوية، الشريف الرضي، تحقيق وشرح: طه محمد الزيتي، منشورات مكتبة بصيرتي، قم.
- المستدرک على الصحيحين، الحاكم النيسابوري، إشراف: يوسف عبد الرحمن المرعشلي.
- مسند احمد، احمد بن حنبل، دار صادر - بيروت - لبنان.
- مسند أبي يعلى، أبو يعلى الموصلي، تحقيق: حسين سليم أسد، دار المأمون للتراث.
- مسند الشاميين، الطبراني، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة الثانية، ١٤١٧ق/١٩٩٦م.
- المصنف، ابن أبي شيبة الكوفي، حقيق وتعليق: سعيد اللحام، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، الطبعة الاولى، جماد الآخرة ١٤٠٩ق/١٩٨٩م.
- المصنف، عبد الرزاق الصنعاني، عنى بتحقيق نصوصه وتخریج أحاديثه والتعليق عليه الشيخ المحدث حبيب الرحمن الأعظمي.
- المعجم الأوسط، الطبراني، تحقيق: قسم التحقيق بدار الحرمين، دار الحرمين للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٥ق/١٩٩٥م.

- المعجم الكبير، الطبرانی، تحقیق وتخریج: حمدی عبد المجید السلفی، دار إحياء التراث العربی، الطبعة: الثانية.
- من لا یحضره الفقیه، الشیخ الصدوق، تصحیح وتعلیق: علی أكبر الغفاری، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة.
- نهج البلاغة، الشیخ محمد عبده، دار الذخائر - قم - ایران، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش.
- وسائل الشیعة (آل البيت)، الحر العاملی، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ق.

